

شاپرک خانوم

نویسنده و کارگردان: بیژن مفید

تصویرگر: سولماز حشمتی

بتهوون

مرکز موسیقی بتهوون شیراز



با شرکت

سوسن مقصودلو	شاپرک خانم
بهمن مفید	عنکبوت
بیژن مفید	ملخ
تامی مفید و سحر مفید	سوسکی و موسکی
فهیمة راستکار	خاله سوسکه
رضا رویگری	کرم شب تاب
جمشید گرگین	زنبور عسل
سیروس ابراهیم زاده	مگس

پالایش: اُرد انزابی پور

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵

زمان کل سی دی: ۶۳:۰۵

بتهوون

مرکز موسیقی بتهوون شیراز



خدایا! اینجا کجاست؟ ... چرا انقدر تاریکه؟ هیچ جارو نمی بینم. پس باغ کو؟ آفتاب کو؟ نکنه کور شدم؟ وای، چی شد؟ دست و پام اینجا گیر کرده. این چیه؟ مثل توره. خدایا! نه چشمم جایی رو می بینه، نه می تونم تکون بخورم. کسی اینجا نیست؟ هیچ کس اینجا نیست که به من کمک کنه؟

شاهزاد خانوم!

من خوشگلمو، به به به، زیبایی سه پا؛ به به به، پاهایی دارم، به به به، باریک و سیّه، هه هه هه، از صبح سحر اینجا می شینم تا در تله ام چیزی ببینم.

عنکبوت!

این کیه؟ چه آواز عجیبی.

شاهزاد خانوم!

نام بنده عنکبوت است و دام من بُود پُردوام و محکم و شیک.

عنکبوت!

راست می گه دیگه دیگه، راست می گه دیگه دیگه، راست می گه دیگه دیگه دیگ.

گروه!

اینا کی ان؟ این صدای کیه؟

شاهزاد خانوم!

عاشق مگس منم، عاشق ملخ منم، گرچه لاغر است و باریک.

عنکبوت!

راست می گه دیگه دیگه، راست می گه دیگه دیگه، راست می گه دیگه دیگه دیگ.

گروه!

راست می گه دیگه دیگه، راست می گه دیگه دیگه، راست می گه دیگه دیگه دیگ.

خدایا! نمی تونم جُم بخورم.

شاهزاد خانوم!

هه هه هه... هوی هوی، چرا همچین می کنی؟ انقدر وول نخور.

عنکبوت!

آقا! شما کجا هستین؟ آقا! به نظرم من اینجا گیر کردم. نمی دونم باید چیکار کنم.

شاهزاد خانوم!



عنكبوت: حُب، حالا انقدر دست و پا نزن بینم چیکار می شه کرد. دِ می گم انقدر وول نخور.

شاپرک خانوم: بیخشید آخه دستم اینجا گیر کرده.

عنكبوت: نیگا کُنا... تمام تارای قشنگ منو خراب کرد.

شاپرک خانوم: چشم. دیگه تکون نمی خورم.

عنكبوت: آهان... حالا بهتر شد.

شاپرک خانوم: شما، شما کی هستین؟ اینجا کجاست؟

عنكبوت: من، یه بنده ی خدا. اینجا خونهِ منه. شما تعریف کن بینم کی هستی؟ اینجا چیکار می کنی؟

شاپرک خانوم: من؟ من یه پروانه ام. بهم می گن شاپرک خانوم. من اونجا توی باغ نشسته بودم. روی شاخه ی

یه گل، زیر آفتاب. گل لاله عباسی بود. بالامو زیر نور خورشید باز کرده بودم. به نظرم داشتم خواب می دیدم. بعد، یه دفعه هیکل یه کلاغ سیاه و بزرگ بالای سرم اومد. اون وقت دیگه نفهمیدم چطور شد. پر زدم و خودمو انداختم توی سوراخ. بعد اینجا بودم. آخه شما کجا هستین؟ چرا جلو نمیاین؟

عنكبوت: هه هه... میام خانوم کوچولو. میام خانوم قشنگه.

شاپرک خانوم: شما، شما کی هستین؟

عنكبوت: می دونی، تو خیلی قشنگی، خیلی قشنگی. من حتا اون موقعی هم که جوون بودم زشت

بودم. همیشه همین طور قوزی و زشت.

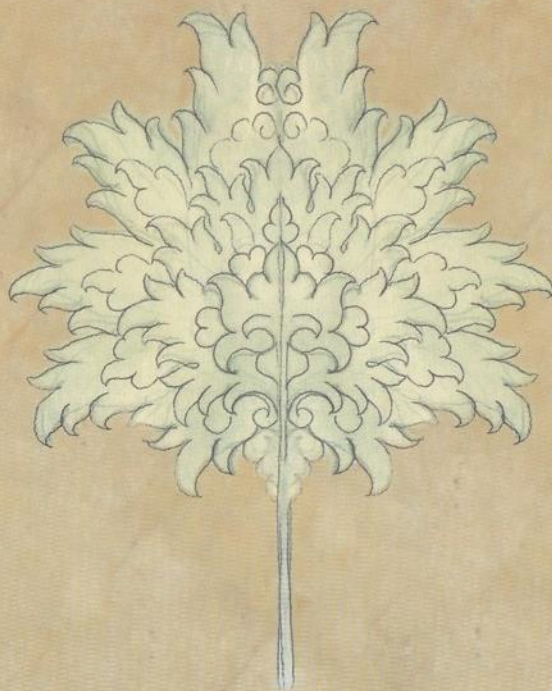
شاپرک خانوم: متأسفم.



مرکز موسیقی بتهوون شیراز

شاپرک خانوم در سال ۱۳۵۲ به کارگردانی دان لافون در تهران به روی صحنه رفت. لافون در زمینه‌ی تئاتر برای کودکان و نوجوانان تجربه‌ی بسیار داشت و آثاری را با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در کتابخانه‌های عمومی و پارک‌های تهران و شیراز اجرا کرده است.

شاپرک خانوم قصه‌ای است زیبا با بیانی تمثیلی؛ و اجرای خوب و ماندگار بازیگران شایسته‌ی تئاتر ایران برای بزرگ‌ترها نیز همان قدر جالب و شنیدنی است که برای کودکان. صداها و آوازهای این نمایش بسیار مناسب و تأثیرگذارند و ریتم خوبی به قصه می‌دهند. شاپرک خانوم در کشورهای انگلیس، آلمان و استرالیا نیز اجرا شده است.



مرکز موسیقی پتهوون شیراز

